



۲۰۱۹/۱۱/۱۳



مرجان کمال

تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت سی و پنجم

ای آنکه طبیب درد های مایی
این درد زحد رفت چه می فرمایی؟



فصل چهارم

Chapitre IV

اعاده دوباره دولت

به تاریخ پنجم دسامبر 2001 میلادی موافقه بُن امضاء گردید. (کنفرانس بین المللی پترسبورک ۱ بُن (Petersberg/ Bonn).

در این کنفرانس دیپلمات ها و سیاستمداران افغان به استثنای طالبان و حزب اسلامی گرد هم جمع شده بودند. موافقه ها تحت عنوان موافقات بالای مصالحات و توافقات مؤقتی تا روی کار آمدن مؤسسات دولتی دایمی و استقرار و برقراری دوباره و مجدد به امضاء رسید).

این موافقه تعیین کننده چوکات قضایی و حقوقی حمایت سیاسی و نظامی جامعه بین المللی از دولت افغانستان می باشد. این موافقتنامه شامل روی کار آوردن ابزار ها و دستگاہای می باشد که زمینه را برای مستقر نمودن نهاد ها و تأسیسات به صورت تدریجی برای یک دولت منتخب امکان پذیر سازد.

ملل متحد به تاریخ 28 مارچ 2002 میلادی تصمیم به ایجاد یک نمایندگی به نام همکاری و مددکاری ملل متحد برای افغانستان (UNAMA) نمود، و همچنین استقرار یک قوای بین المللی کمک و امنیت (ISAF) به تاریخ 20 دسامبر 2001 میلادی نیز به امضاء رسید.

در ماه جنوری 2002 میلادی کنفرانس بین المللی تمویل کنندگان اساسی کمک برای باز سازی افغانستان را در توکیو پایتخت جاپان گردهم آورد.

بر علاوه تشکیل نمودن ساختار های دولتی به کمک متحدین بین المللی شان که ممالک غربی را در بر می گیرد، باعث مواجه شدن به اعتراضات خشونت آمیز مخالفین، دولت و متحدین بین المللی دولت قرار گرفتند، با وجودی که مخالفین خود شان نیز از کمک های ممالک خارجی مستفید می گردند، و این حالت ما را به یاد مقاومت مجاهدین علیه شوروی ها می اندازد، که از زمان اشغال شوروی ها تا به امروز این جریانات یکی به تعقیب دیگر به راه انداخته شده و دلالت به یک طرح می نماید که در تاریخ کشور مستقر گردیده است.

در حقیقت این اغتشاش ائتلاف بازیگران است که در زمان جهاد قبلی تبارز نموده بودند، که با روی کار آمدن دولت جدید و احیایی مجدد آن دوباره پدیدار گردیدند، که در چندین لایه و اقشار در حیات سیاسی کشور دخیل می باشند.

یک تعداد از قومندان های جهادی، برادران هم سنگر شورشیان، در این عملیه برنده های مسلم و بدون چون و چرا هستند، مگر دشمنان دیروز شان که کمونیست های رژیم خلق و پرچم، و همچنان نخبگان رژیم قبل از رژیم خلق و پرچم، با وجودی که کاملاً خارج از انکشافات حیات سیاسی در داخل کشور در این سی سال اخیر بودند، موفق به یافتن یک جایگاه در داخل صحنه سیاسی افغان گردیدند.

مقررات مشارکت با جامعه بین المللی:

مشارکت بین دولت و جامعه بین المللی نشان دهنده برگشت دوباره به یک ساختار و اقتداری است که به صورت تاریخی تشکیل شده و شامل دینامیک های سیاسی و اجتماعی برخاسته از جهاد علیه اشغال شوروی می باشد.

مشارکت دولت با ممالک همکار خیلی ها مهم است، این فکتور ها یا این همکاری تأثیر زیاد بالای اقتدار دولتی و عملکرد دولت دارد و عملکرد دولت را تقویه می بخشد، که مقرری یک نماینده جدید دولت در یک محل را از طرف دولت توجیه می نماید.

از زمان عملیه ساختن دولت و حیات سیاسی افغان که با امضاء موافقه بُن در جنوری سال 2002 میلادی پذیرفته شد، ما شاهد یک پدیده دوگانه فسخ نمودن طریقه ها و روش های عملکرد سیاسی میراث جهاد علیه شوروی و برگشت دوباره به یک نظم سیاسی که قبلاً در رژیم قبل از رژیم کمونیستی وجود داشت، که عبارت از یک دولت مرکزی می باشد. که این به حیث نتیجه، یک رجعت دوباره در ساختار ها و طرز عملکرد اقتدار دولت است.

مشکل در ارتباطات دولت - جامعه:

مؤلف روبین (Rubin, 2000) در کتاب 'The fragmentation of afghanistan' یک بُعد یا دورنمای تاریخی انکشافات سیاسی و اجتماعی را در دوران سال های 1980 - 1990 میلادی عرضه می نماید، که اجازه ساختن یک تیوری عمومی از عمل ساختاری اقتدار در افغانستان را می دهد.

این اخیر الذکر جدایی نخبگان را با بقیه اجتماع نشان می دهد.

نخبگان و ضد نخبگان از زمان رژیم سابق:

قرار تحلیل روبین که اتکاء بر تعریف دولت توسط میگدل (J. Migdal, 2001) می کند، به ما اجازه فهمیدن از تشکلات ساختاری دولت از زمان تشکیل شدن آن تا زمان که به سقوط در سال 1992 میلادی مواجه گردید، می دهد.

دولت از نظر میگدل (56 : J. Migdal, 2001):

برای این مؤلف دولت یک موجود خارج از جامعه، جدا و خود مختار نمی باشد، بر عکس یک تشکیلات اجتماعی است که در بین دیگر تشکیلات که با هم یکجا زیست نموده و با محیط خود در پیوند می باشد.

مؤلف مذکور برای ساختن چوکات تیوری خود بالای مضمون گوپتا (A. Gupta) اتکاء می کند:

که در مورد قوم نگاری در یک قریه در هند تحقیقات نموده است، مؤلف در زندگی مردم آن جا عملی نمودن روزانه دستگاه های محلی را به همراه ساختار های پراکنده که توسط رسانه ها به دولت پیوند داده شد، مورد مشاهده قرار داد.

نتیجه گیری از این تحقیقات، ما را رهنمایی می کند به موجودیت یک مخالفت غیر مناسب و بیجا بین دولت و جامعه از یک طرف، و از طرف دیگر به ما نشان دهنده عملیه متعدد و متنوع می باشد که توسط آن دولت ساخته شده است.

این عملیه ها در عین زمان عملی نمودن یا پراتیک های روزانه، و زیادتیر از آن و به صورت غیر مستقیم نفوذ و تأثیرات آژانس های انکشافی بین المللی را نیز در بر می گیرد.

این نقطه شروع برای مؤلف میگدل (J. Migdal) اجازه مطالعات در مورد ساختار های تأثیرات متقابل که دولت و عناصری که آن را تشکیل داده است را با دیگر پارچه های جامعه می دهد که در یک بازی دومدار معاملات و مباحثات، مصالحه و توافق و قطع روابط می باشند.

ما باید خود را از این بُعد که دولت صرفاً در مخالفت به جامعه است دور بسازیم. دولت یک قسمت از جامعه می باشد، همراه با یک تعداد مشخصات خود که بسیار متفاوت از دیگر تشکیلات جامعه نیست. اعضای رسمی دولت نیز شامل اعضای جامعه اند. چیزی که باید مشخص شود عبارت از طرح های خصوصی تأثیرات متقابل بین دولت و دیگر گروپ ها و تشکیلات می باشد.

این تغییر شکل دادن ها که دولت را متأثر می سازد به همان اندازه تشکیلات مختلف که دولت با آن ها مواجه می باشد، تعیین کننده هستند که در عین زمان توسط قوت های داخلی جامعه و توسط دینامیک بین المللی که دولت و جامعه را به سیستم بین الدولتی که در اطراف شان قرار دارد، پیوند می دهد.

ادامه دارد

marjan_kamal_107_tahrik_talibaan_35.pdf